



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۰۹ مارچ ۲۰۲۳

حمید انوری

"تمسخر تاریخ"

د تاریخ تمسخر !

له ماضي څخه زده کړه او د ماضي واکمني، دوه جال او بېلابېل مفاهيم دي . هغوی چې غواري ماضي، پر حال او راتلونکي واکمنه کړي؛ د تاریخ بهیر سره سرجنګوي او په دې سرجنګی کې یوازې خپل سر ماتوي ! له ماضي زده کړه یوازې راتلونکي سره مرسته کولای شي، نه نور څه ! بلخوا ټولنه په ماضي کې نه، بلکې په حال کې ژوند کوي او په یوه لور او هغه هم د راتلونکي په لور مخ په حرکت کې ده . اینده ده چې ټولني ته د غورېدا او پرمختیا لار ورکوي، نه ماضي. د ټولني بېول د ماضي په لور، نه یوازې شوني نه دي بلکې هغوی چې داسې هڅه کوي؛ د تاریخ لوی تمسخر پر غاړه اخلي.

"تمسخر تاریخ"

تحت عنوان بالا، هموطنی به نام "سرلوخ مرادزی"، مختصر تذکری دارد به زبان زیبای پشتو که در فوق ملاحظه می شود.

ایشان رجوع به گذشته را تمسخر تاریخ عنوان می کنند و در حقیقت تلاش ورزیده اند تا به اصطلاح وطنی ما "گذشته را صلوات" بفرستند و فرزندان این آب و خاک را به نحوی تشویق فرمایند که گذشته را فراموش کنند. هرچند ایشان کوشیده اند، مقصد و مرام و هدف خود را در یک لفافه نازک بپوشانند، تا مگر گذشته ها به فراموشی سپرده شود، اما از نظر این کمترین، این گذشته است که آینده را می سازد. درس گرفتن از گذشته، به هیچ وجه، زندگی نمودن در گذشته نیست، بلکه آموختن از گذشته است و چه زیبا گفته اند: "گذشته، چراغ راه آینده است". ما نباید چراغ را خاموش کرده و در تاریکی به صوب آینده روان شویم که در آن صورت خواهی نخواهی به چاه خواهیم افتاد. چه زیبا گفته بود باری سعدی شیرین سخن:

وگر بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشیني گناه است

salamwatanam@gmail.com

ایشان می نویسند: "... له ماضي زده کره یوازی راتلونکې سره مرسته کولای شي، نه نور څه!" مقصد و هدف و مرام هم همین است که امروز سنگ تهادب را راست بگذاریم، تا فراد و تا ثریا این دیوار کج نرود. هرآنچه امروز انجام میدهیم، برای فردا است، فقط باید تهادب را درست و راست گذاشت و از آنچه جلوگیری کرد که در گذشته ها سبب بربادی گردیده بود.

در مورد عملکرد طالب و ملا و چلی و آخند و...، شاید سخنان و یادداشت این هموطن تا اندازه درست و بجا باشد، اما در مورد حزب منحلۀ "دیموکراتیک خلق"، کاملاً انحرافی به شمار میرود.

ایشان علاوه میکنند: "... بلخوا ټولنه په ماضي کې نه، بلکې په حال کې ژوند کوي او په یوه لور او هغه هم د راتلونکې په لور مخ په حرکت کې ده . "

بلی هموطن جامعه در حال زندگی میکند، اما اگر از گذشته های چندان دور نیاموخته باشد، آینده اش نیز سخت تاریک و خونین خواهد بود. درست است که ما نمی توانیم ۱۴۰۰ سال عقب برگردیم، اما مجبور و مکلف هستیم که به سال های خونین کودتای منحوس ثور و تجاوز وحشیانه روسیه به افغانستان برگردیم و در زمینه عدالت اجتماعی را مرعی الاجرا سازیم "تاسیه روی شود هرکه در او غش باشد."

قصه پندآموز باغبان سالخورده را همه ما و شما خوب میدانیم، اما چار ناچار جهت روشن ساختن ذهن هموطن ما جناب "مراذی"، آنرا اینجا می آورم، به این امید که

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم تو خواه از سخنم پند گیر و خوا ملال

[پادشاهی باغبان سالخورده را در حال غرس نهال دید.

پادشاه از او پرسید که چرا با این که سن و سال زیادی دارد همچنان نهال غرس میکند و از این کار لذت می برد، با اینکه ممکن است زمانی که نهال ها به ثمر بنشینند و میوه بدهند، باغبان نباشد و نتواند نتیجه کارش را ببیند. باغبان به جواب پادشاه گفت: دیگران نهال غرس کردند و ما حاصل آنرا خوردیم، حال من نهال می نشانم تا دیگران حاصل آنرا بردارند ...]

هرآنچه ما امروز انجام میدهیم، برای فرزندان ما و آینده کشور ما باید باشد، نه اینکه کلوخ ماندن و از آب گذشتن.

شاید این کمترین در برداشت خود از یادداشت مختصر این هموطن به خطا رفته باشم، اما تقصیر به گمانم از ایشان بوده باشد که به گونه ای، گویا "سر سر پُلوان" رفته و هدف را مشخص نساخته اند و می شود به هر صوب که خواننده خواسته باشد، آنرا بکشاند و نتیجه گیری کند. خوب است در هر نوشته، ولو مختصر و دو سطر هم باشد، هدف مشخص گردد.